

نقش حجاب و عفاف در تحکیم نهاد خانواده

محمدتقی صرفی پور

زیر نظر مجمع جهانی اهل بیت ع

فهرست:

شرح مختصری درباره نهاد خانواده

اهمیت نهاد خانواده در ادیان الهی دیگر

وجود فرهنگ حجاب و عفاف در همه ادیان و ملت‌ها

معنای اصطلاحی حجاب

آیات لزوم حجاب زنان

روایات لزوم حجاب و عفاف زنان

آثار مهم حجاب در خانواده و جامعه

حجاب عامل استحکام خانواده‌ها

حفظ آرامش روانی جامعه و پاکی دل‌ها

حجاب عامل تقرب الهی

حجاب از دیدگاه اسلام و غرب

اثرات زیانبار بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه

مقاومت زنان مسلمان جهان در راه حفظ حجاب

محرم و نامحرم در اسلام

منابع

شرح مختصری درباره نهاد خانواده

خانواده در اثر گرایش فطری زن و مرد نسبت به هم که با پیمان مقدس ازدواج شکل عملی به خود می گیرد تشکیل می گردد.

خانواده نهادی است که مورد توجه خاص پروردگار عالمیان قرار دارد و قرآن کریم در بسیاری از آیات صریحاً و به روشنی بر ضرورت تشکیل خانواده تأکید نموده و بالاترین و صمیمانه ترین ارتباطهای بشری با هم را ارتباط زن و شوهری نامیده است.

یا ایها الناس اتقوا ربکم الذین خلقکم من نفس واحده وجعل منها زوجها وبث منهما رجلاً کثیراً ونساءاً.. {نساء ۱} ای مردم! از خدایی پروا داشته باشید که شما را از یک انسان خلق کرد و از همین تن، همسرش را آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکند.

وانکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله واللّه واسع علیم {نور ۳۲} با ازدواج هم دریاورید پسران و دختران صالح مجرد خود را که اگر فقیر باشند خداوند آنها را از فضلش بی نیاز می کند که خداوند وسعت دهنده روزی و آگاه از نیازهاست.

خداوند مسئله ازدواج زن و مرد را از معجزات واز آیات و نشانه های وجود پروردگار یکتا می داند. یعنی اگر هیچ معجزه ای در اثبات وجود خداوند نباشد فقط همین مسئله زوجیت و میل زن و مرد به هم که در فطرت آنها نهادینه شده باشد، همین خود دلیل واضح و آشکاری بر وجود خالق حکیم و تواناست.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱.

و از آیات و نشانه های وجود خداوند آنست که از جنس خودتان همسرانی برای شما خلق کرد تا با وجود آنها آرامش بیابید و بین شما زن و شوهر، مودت و رحمت و مهربانی قرار داد. حقیقتاً در این مسئله نشانه هایی برای افراد متفکر و اندیشمند است.

پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) در مکتبی که برای هدایت بشر آورده است صرفاً به عبادیات توجه نفرموده و از این رو بخش قابل توجهی از معارف و آموزه های دین مبین اسلام در مورد مسائل اجتماعی است. خانواده به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی توجه زاید الوصفی را در آموزه های دینی به خود جلب نموده است قرآن همچنین در باره خانواده و مسائل آن می فرماید:

۱. سوره روم: آیه ۲۱.

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۲.

سوره بقره: آیه ۱۸۷

«جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ»^۳.

رعد: آیه ۲۳.

«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۴.

نساء: آیه ۱۹

«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۵.

سوره فرقان: آیه ۷۴

فَأَمْسِكُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ»^۶.

طلاق: آیه ۱

و رسول اکرم (ص) در مورد این نهاد می فرماید:

قال النبي (ص): النكاح سنتي فمن رغب عن سنتي فليس مني (۸)

و نیز در مورد اهمیت خانواده و جایگاه آن بیان می دارند:

و روى عن النبي (ص) قال: من سنتي التزويج، فمن رغب من سنتي فليس مني (۹)

بر همین مناسبت که پیامبر عظیم الشان (ص) خانواده را محبوب ترین نهاد موجود نزد خداوند معرفی می فرماید:

قال رسول الله (ص): ما بنى فى الإسلام بناء أحب إلى الله عز وجل من التزويج (۱۰)

بر همین مبنا پیامبر اعظم (ص) طلاق را که انفکاک پیوند مقدس خانواده است، باعث لرزش عرش الهی معرفی

می کند:

قال رسول الله (ص): تزوجوا و لا تطلقوا فان الطلاق يهز العرش. (۱۱)

۲. سوره بقره: آیه ۱۸۷.

۳. سوره رعد: آیه ۲۳.

۴. سوره نساء: آیه ۱۹.

۵. سوره فرقان: آیه ۷۴.

۶. سوره طلاق: آیه ۱ و ۲.

و در ترغیب و تشویق به ازدواج آن را در عبادیات نیز دخیل می‌داند و می‌فرماید که نماز انسان متأهل از نماز انسان مجرد برتر است:

قال رسول الله (ص): صلاة من متزوج خیر من اربعین صلاة من عزب. (۱۲)

اهمیت این امر در نظر رسول اعظم (ص) به حدی بوده است که آن حضرت دستور دادند که ازدواج‌های خود را علنی و با برگزاری مراسم و... برگزار کنید تا از این طریق برای این امر فرهنگ سازی صورت گیرد و دیگران نیز به ازدواج ترغیب شوند:

قال النبی (ص): اعلنوا النکاح (۱۳)

توجه اسلام به خانواده و زندگی اجتماعی و مخالفت اسلام با گوشه گیری و عزوبت

اسلام دین گوشه گیری و دین رهبانیت نیست از این رو در آموزه‌های رسول اعظم (ص) از هرگونه گرایش به فرار از زندگی اجتماعی و خانوادگی نهی شده است و به مؤمنین توصیه شده است که از زندگی خانوادگی گریزان نباشند:

كان عثمان بن مظعون رضی الله عنه من زهاد الصحابة و أعيانها، حتى أن رسول الله صلى الله عليه و آله أمر بوضع جنازته عن أكتاف المشيعين و قبله مرارا، و نزل إلى قبره و ألحده بیده، ثم سوی قبره بیده، فجاء یوما إلى رسول الله (ص) فقال: یا رسول الله قد غلبنی حدیث النفس، و لم أحدث شیئا حتى أستأمرک؟ قال: بم حدثک نفسک یا عثمان؟ قال: هممت أن أسیح فی الأرض، قال: فلا تسح فیها، فإن سیاحة أمتی فی المساجد، قال: و هممت أن أحرم اللحم علی نفسی فقال رسول الله (ص): لا تفعل فإنی أشتهیه و آکله، و لو سألت الله أن یطعمنیه کل یوم، لفعل، فقال: و هممت أن أجب نفسی؟ قال: یا عثمان من فعل ذلك فلیس منا، أعنی بنفسه أحد، لا تفعل إن وجاء أمتی الصیام، قال: و هممت أن أحرم خولة علی نفسی؟ (یعنی امرأته) قال: لا تفعل، فإن العبد المؤمن إذا أخذ بید زوجته كتب الله له عشر حسنات و محاه عنه عشر سیئات، فإن قبلها كتب الله له مائة حسنة و محاه عنه مائة سیئة، فإن ألم بها كتب الله له ألف حسنة و محاه عنه ألف سیئة و حضرتهما الملائكة، فإن اغتسلا لم یمر الماء علی شعرة من کل واحد منهما إلا كتب الله لهما حسنة و محاه عنهما سیئة، فإن كان ذلك فی لیلة باردة قال الله عزوجل لملائکته: انظروا إلى عبدی هذین اغتسلا فی هذه اللیلة الباردة علما منهما إنی ربهما، أشهدکم أنى قد غفرت لهما، فإن كان لهما فی مواقعتهما تلک ولد، کان

لهما وصيفا في الجنة، ثم ضرب رسول الله صلى الله عليه وآله بيده على صدر عثمان، وقال: يا عثمان، لا ترغب عن سنتي فإن من رغب عن سنتي عرضت له الملائكة يوم القيامة فصرفت وجهه عن حوضي (۱۴)

تلاش برای رفع حوائج خانواده

یکی از جنبه‌هایی که در مورد خانواده معمولاً ایجاد نگرانی می‌کند، این تصورات است که مسائل مادی و مالی خانواده، فرد را با مشکل مواجه کند. این تصور غلط‌آز آن رو پیدا می‌شود که افراد خود را روزی‌رسان و روزی‌ده تصور می‌کنند و غافلند که روزی‌رسان، خدای متعال است و ما موظف به تلاش هستیم. پیامبر اعظم (ص) در همین راستا به اجر و ثواب کسی که برای رفع حوائج مادی زندگی خود و خانواده‌اش پردازد اشاره فرموده‌اند تا از این طریق مؤمنان به تلاش برای معاش تشویق شوند:

قال النبي (ص): الكاد على عياله كالمجاهد في سبيل الله. (۱۵)

و نیز در مورد محبت به خانواده و تلاش برای جلب رضایت آن‌ها از طریق رفع حوائج مادی‌شان فرموده‌اند: قال رسول الله (ص): من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها إلى عياله كان كحامل صدقة إلى قوم محاييج وليبدأ بالإناث قبل الذكور، فإنه من فرح انثى فكأنما أعتق رقبة من ولد إسماعيل. (۱۶)

همسر صالح و آثار آن

نقش و اثر همسر در موفقیت و سعادت آدمی (که هدف نهایی دین است) به حدی است که رسول اکرم اسلام (ص) می‌فرماید:

روى عن النبي (ص): خمسة من السعادة، و عد منها الزوجة الصالحة. (۱۷)

و نیز در این باره می‌فرمایند:

عن النبي (ص): خمسة من السعادة، الزوجة الصالحة، والبنون الأبرار، و الخلطاء الصالحون، و رزق المرء في بلده، و الحب لآل محمد (۱۸)

همسر صالح در آموزه‌های دینی به حدی در موفقیت آدمی مؤثر است که پیامبر اعظم (ص) آن را عاملی از عواملان خدا می‌خواند و می‌فرماید:

جاء إلى رسول الله (ص) رجل و قال: يا رسول الله، إن لي زوجة إذا دخلت تلقنتني، و إذا خرجت شيعتني، و إذا رأنتني مهموما، قالت: ما يهملك؟ إن كنت تهتم لرزقك، فقد تكفل به غيرك، و إن كنت تهتم بأمر آخرتك، فزادك الله هما، فقال رسول الله (ص): إن لله عمالا، و هذه من عماله، لها نصف أجر الشهيد. (۱۹)

اهمیت محبت و احترام میان همسران

از جمله ارکان زندگی مشترک و پایه‌های اصلی حفظ خانواده، محبت میان همسران است از این روست که پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید:

عن النبی (ص): و خیر النساء الولود الودود (۲۰)

آری! محبت و حفظ احترام همسران از جمله برترین و بالاترین رموز موفقیت یک خانواده است و پیامبر عظیم‌الشان اسلام نیز در این باره می‌فرماید:

عن النبی (ص): إن خیر نسائکم الولود الودود العفیفة العزیزة فی أهلها الذلیلة مع بعلاها المتبرجة مع زوجها الحصان علی غیره التي تسمع قوله و تطیع امره و إذا خلا بهابذلت له ما یرید منها ولم تبذل کتبذل الرجل ثم قال: ألا اخبرکم بشرار نسائکم الذلیلة فی أهلها العزیزة مع بعلاها العقیم الحقود التي لا تدرع من قبیح المتبرجة إذا غابت عنها بعلاها الحصان معه إذا حضر لا تسمع قوله ولا تطیع أمره و إذا خلا بهابعلها تمنعت منه كما تمنع الصعبة عن رکوبها لا تقبل منه عذرا و لا تغفر له ذنبا (۲۱)

ضرورت توجه به حقوق همسران و عدم تزییع حق یکدیگر

حفظ احترام و توجه به حقوق یکدیگر، از جمله مهم‌ترین نکاتی است که می‌تواند خانواده را با خوشبختی همراه سازد به همین دلیل از جمله توصیه‌های گران قدر رسول اکرم توجه همسران به حفظ حقوق یکدیگر و تلاش برای ادای حق یکدیگر است. پیامبر اعظم (ص) در این باره می‌فرماید:

قال النبی (ص): النکاح رق فلینظر أحدکم أین یضع کریمته (۲۲)

و نیز در بیان حق مرد بر همسرش می‌فرماید:

عن أبی جعفر علیهما السلام قال: جاءت امرأة إلی النبی (ص) فقالت: یا رسول الله ما حق الزوجة علی المرأة فقال: لها أن تطیعه و لا تعصیه و لا تصدق من بیته إلا بإذنه، و لا تصوم تطوعا إلا بإذنه، و لا تمنعه نفسها و إن کان علی ظهر قتب، و لا تخرج من بیته إلا بإذنه و إن خرجت بغير إذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتی ترجع إلی بیته، فقالت: یا رسول الله من أعظم الناس حقا علی الرجل؟ قال: والده، قالت: فمن أعظم الناس حقا علی المرأة؟ قال (ص): زوجها (۲۳)

و از سوی دیگر در مورد رعایت حقوق زنان و توجه به آن هشدار می‌دهند که:

قال النبی (ص): عیال الرجل أسراؤه و أحب العباد إلی الله عزوجل أحسنهم صنیعا إلی أسرائه. (۲۴)

و نیز می‌فرماید:

قال النبي (ص): اتقوا الله في النساء فانهن عندكم عوان أي أسيرات (۲۵)
به امید آن که با تمسک به آموزه‌های رسول اعظم (ص) بتوانیم در بهبود وضعیت خانواده در کشور کوشش کنیم.

۸) تقریرات، تقریر بحث الکلیایگانی، ج ۲، ص ۱۲۹

۹) الهدایه، الشیخ الصدوق، ص ۲۵۷

۱۰) الهدایه، الشیخ الصدوق، ص ۲۵۷

۱۱) مسند زید بن علی، زید بن علی، ص ۵۰۵

۱۲) مسند زید بن علی، زید بن علی، ص ۵۰۵

۱۳) جامع الشتات، المیرزا القمی، ج ۲، ص ۳۷۷

۱۴) المهذب البارع، ابن فهد الحلی، ج ۳، ص ۱۶۷

۱۵) فقه الرضا، علی بن بابویه، ص ۲۰۸

۱۶) مستدرک سفینه البحار، الشیخ علی النمازی، ج ۱۰، ص ۴۳۵

۱۷) المهذب البارع، ابن فهد الحلی، ج ۳، ص ۱۶۷

۱۸) المهذب البارع، ابن فهد الحلی، ج ۳، ص ۱۶۹

۱۹) المهذب البارع، ابن فهد الحلی، ج ۳، ص ۱۶۷

۲۰) المهذب البارع، ابن فهد الحلی، ج ۳، ص ۱۶۹

۲۱) العروة الوثقی، السید الیزدی، ج ۲، ص ۷۹۹

۲۲) بدائع الصنائع، الکاشانی، ج ۲، ص ۲۴۷

۲۳) جامع المدارک، السید الخوانساری، ج ۴، ص ۴۳۴

۲۴) مکارم الأخلاق، الشیخ الطبرسی، ص ۲۱۷

۲۵) بدائع الصنائع، الکاشانی، ج ۲، ص ۲۴۷

اهمیت نهاد خانواده در ادیان الهی دیگر

ازدواج در شریعت موسی ع از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده است. نویسنده گنجینه ای از تلمود در این رابطه می نویسد:

هدف از ازدواج، تشکیل خانواده است. عالی ترین آرمان یک یهودی آن است که فرزندش خداترس و در دانش تورات متبحر باشد. اصطلاح معمول بای ازدواج، کلمه (قیدوشن) به معنای مقدس است. این کلمه دلالت دارد بر اینکه زن و شوهر باید دقیق ترین نکات عفاف را در زندگی رعایت کنند...

در تلمود آمده که هر کس زن ندارد از شادمانی و برکت و نیکی محروم است. هر کس که زن ندارد یک آدم کامل به تمام معنا نیست. همسر انسان، خانه او محسوب می شود. به انسان سفارش شده که زود ازدواج کند. برای پسران ۱۸ سالگی سن ازدواج است و اگر از ۲۰ سالگی گذشت و ازدواج نکرد خداوند او را نفرین می کند.

{گنجینه ای از تلمود ص ۱۸۱ و ۱۸۰}

ویل دورانت می نویسد که اولین واجب از ۶۱۳ فرامین شریعتی یهودیان، فرمان ازدواج و تشکیل خانواده بوده است. {تاریخ تمدن ج ۱۲ ص ۲۶}

وجود فرهنگ حجاب و عفاف در همه ادیان و ملتها

یکی از مسائل مهم مربوط به زنان در ادیان آسمانی، مسئله لزوم عفاف و حجاب و آزرمن زن است

آثار به جامانده از انسان‌های اولیه نشانگر این است که حجاب پیشینه‌ای به درازای تاریخ دارد و اختصاص به اسلام ندارد .

نقش برجسته‌ای که در تل العمارنه (در استان اسیوط مصر) موجود است و مربوط به چهارده قرن قبل از میلاد است ، تصویر ملکه «نفرتی تی» و دخترش را نشان می‌دهد که هر دو پوشش به تن دارند(3).

نقش برجسته‌ای که مربوط به چهارده قرن قبل از میلاد است ، تصویر فرعون مکاریتوس و یک زن و دخترش را نشان می‌دهند که هر سه ، قسمت پایین بدن را پوشانیده‌اند(4).

در تصویری از يك نقاش مصری که با توجه به اهرام سه گانه مصر ، قدمت آن به سه هزار سال قبل از میلاد می‌رسد ، دختران تمام بدن خود و پسران نیمه پایین بدن را پوشانده‌اند(5).

نقش برجسته‌های معبد‌های کارناسوس در موزه بریتانیا ، کنیبه معبد زئوس موزه برلین و مجسمه کاونارنس در موزه ناپل ، همگی نشان دهنده پوشش زنان در قبل از اسلام است .

در هر کدام از این موزه‌ها مجسمه‌هایی از زنان با پوشش کامل وجود دارد که قدمت آن‌ها به سه هزار سال قبل از میلاد می‌رسد .(6)

از این تصاویر و نقاشی‌ها معلوم می‌شود که اصل حجاب قبل از ظهور اسلام بوده و اسلام تنها حدّ و مرز آن را مشخص کرده است. اسلام این عادت قدیمی را که از اعتدال بیرون بوده ، مثل بسیاری از عادات دیگر ، اصلاح و تعدیل نموده و جزء فریضه دینی قرار داده است .

به گواهی تاریخ ، زنان در یونان ، روم ، مصر و ایران باستان ، به ویژه زنان شهرنشین و زنان طبقه اشراف ، خود را می‌پوشانیدند و از نظرها دور نگه می‌داشتند. در یونان، زن هنگامی که از خانه بیرون می‌آمد بدن و صورت خود را می‌پوشانید . زنان آشوری به حجاب، بدن و صورت و سر عادت داشتند.

در روم شرقی (بیزانس) ، حجاب شدیدتر رواج داشت . در میان اروپائیان نیز حجاب معمول بود.

در روسیه ، حجاب تا هنگام سلطنت پتر کبیر معمول بود و در اثر کوشش و مداخله وی حجاب برداشته شد .

در ایران ، زنان اشراف بسیار کم از منزل خود بیرون می‌رفتند و سخت به حجاب عادت کرده بودند.

حجاب از دیر زمان ، جزء عادات و آداب ملل متمدن جهان بوده است و اسلام آن را به صورت مناسب ، موافق با مصالح اجتماعی و حکم مذهبی قرار داده است(7).

حجاب در عصر ابراهیم خلیل

در کتاب مقدس تورات آمده است ابی ملک جرار ، پادشاه فلسطین ، به سارا ، زن حضرت ابراهیم علیه‌السلام گفت: به ابراهیم هزار مثقال نقره دادم تا برای تو و همراهانت پرده چشم بگیرد (8).

فرانکس ، مفسر آمریکایی تورات ، در تفسیر این آیه می‌گوید : ابی ملک پول بسیار به ابراهیم ، شوهر سارا ، داد تا این که برای سارا نقاب بخرد که به صورت خود ببندد و جمال خود را ، که محل خوف ابراهیم علیه‌السلام بود ، از تمام سکنه آن جا بپوشاند و هر جا می‌رود با نقاب باشد(9).

علت نقاب نداشتن سارا این بود که حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام را نمرود دّوم «بی لباس» از بابل بیرون کرد و آن حضرت نتوانست نقاب و لباس درست برای سارا همسرش تهیه کند(10).

ابی ملک ، پادشاه فلسطین ، بت پرست بود ؛ اما برای نقاب سارا ، زن ابراهیم علیه‌السلام ، پول داد تا این که روی خود را از بت‌پرستان و غیر بت پرستان بپوشاند تا نامحرمان روی آن را نبینند. این کار ابی ملک دلالت می‌کند که حجاب و نقاب زنان قبل از ظهور اسلام بوده است .

حجاب در قوم یهود

حجاب در میان قوم یهود شدیدتر بود. ویل دورانت می‌گوید: اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، مثلاً بی آن که چیزی بر سر داشته باشد به میان مردم می‌رفت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه، او را طلاق دهد(11).

حجاب در عصر جاهلیت

حادثه فجار دوم بین قریش و هوازن واقع شد. منشأ آشوب این بود که گروهی از جوانان قریش در بازار عکاظ، کنار زنی از قبیله بنی عامر نشستند. آن زن روپوشی به چهره و پیراهن بلند داشت. جوانان از طرز لباس پوشیدن آن زن تعجب کردند و از او تقاضا کردند که نقاب از چهره بردارد؛ اما آن زن از کنارزدن پوشش خود خودداری کرد. یکی از جوانان پیراهن آن زن را از پشت سرش به وسیله خاری به پشتش بست و آن زن متوجه نشد و وقتی از جایش بلند شد پشت او دیده شد. جوانان خنده کنان، گفتند: او ما را از نگاه کردن به صورتش منع می‌کرد، اما حالا ما پشت او را دیدیم. آن زن فریاد زد: - آل عامر. در نتیجه، جنگ که با خونریزی همراه بود، واقع شد.(۱)2

حجاب در روم:

رومانی‌ها در عصر شوکت خود، به حد کمال، اهتمام به حفظ قانون حجاب داشتند؛ حتی قابله‌ها و دایه‌ها بدون چادر و روپوش از خانه بیرون نمی‌رفتند. به این وسیله، آنان از فساد اخلاقی و اختلال نظام هیأت اجتماعی ایمن بودند(13).

حجاب در یونان

در دائرة المعارف لاروس آمده است: و کان من عادة نساء اليونانيین القدماء ان یحجن بطرف مآذرن او بحجاب خاص کان یصنع فی جراید کوس و امرجوس و غیرها شفافاً جمیل الصنعة؛ (14) عادت زنهای قدیم یونان بر آن بود که خود را به حجاب مستور می‌داشتند، حتی قابله‌ها و پیرزن‌ها.

3. فرید وحیدی، دایرة المعارف قرن ۲۰، ج ۲، ص ۳۳۵

4. لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۲۹۸

5. تاج عروس، واسطی زبیدی، ج ۱، ص ۴۰۴

6. اقرب المودود، علامه شرتونی لبانی، ج ۱، ص ۱۶۳

7. لغتنامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۵، ص ۷۶۳۸

8. صحاح، جوهری، ج ۱، ص ۱۰۷

9. طومار عفت، شیخ یوسف نجفی جیلانی، ص ۱۱۶

10. النهایه، ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۴۰

11. مسأله حجاب، مرتضی مطهری، ص ۷۹

12. حجاب در اسلام، قوام الدین وشنوی، ص ۱۴۲

13. رساله ردّ کشف حجاب ، سید اسدالله خرقانی

14. حقیقت حجاب در اسلام ، شیخ محمد خالصی زاده

حجاب در کتب عهد جدید

عهد جدید به طور مکرر به این مسئله تاکید کرده که زنان باید در پوشاک و آرایش خود با وقار باشند. زنان مسیحی باید برای نیکوکاری و اخلاق خوب خود مورد توجه قرار گیرند نه برای آرایش مو یا آراستن خود به زیور آلات و لباس مهیج {نامه اول پولس به تیموتائوس ج ۲ ص ۸}

هم چنین در رساله اول پطرس آمده است:

برای زیبایی، به آرایش ظاهری نظیر جواهرات، لباس های زیبا و آرایش گیسوان توسل نجوئید بلکه بگذارید باطن و سیرت شما زیبا باشد. باطن خود را با زیبایی پایدار یعنی با روحیه آرام و ملایم، زینت دهید که مورد پسند

خداست {نامه اول پطرس ج ۳ ص ۳}

عفاف و حیاء در قرآن کریم

قرآن کریم در رابطه با میل فطری انسان به عفاف و داشتن حیا می فرماید: پس چون آن دو {آدم و حوا} از آن درخت چشیدند، برهنگی هایشان بر آنان آشکار شد و به چسباندن برگ بهشت بر خود آغاز کردند {اعراف ۲۲}

قرآن کریم در رابطه با حیاء دختران شعیب نبی می فرماید: فجائته احداهما تمشی علی استحیاء قالت ان ابی یدعوك لیجزیک اجر ما سقیت لنا {قصص ۲۵}

پس یکی از آن دو زن با قدم برداشتن از روی حیاء نزد موسی آمد و گفت پدرم تورا خواسته تا مزد آب کشیدن برای گوسفندانمان را بدهد.

در ادامه این قصه در روایات ذکر شده که چند قدم دختر جلو می رفت و موسی ع پشت سر او. ناگاه موسی ع به دختر عرض کرد شما پشت سر من بیا و با انداختن سنگ راه را نشان بده زیرا ما اهل بیته هستیم که پشت سر زنان حرکت نمی کنیم.

بخاطر همین عفت و تقوای موسی ع او از طرف دختران شعیب به عنوان امین ذکر شد.

قالت احداهما یا ابت استاجرہ انّ خیر من استاجرت القوی الامین. {قصص ۲۵}

دختر به پدرش شعیب گفت او را اجیر کنیم زیرا هم قوی و هم امین است.

درباره نهی از خودنمائی زنان که مفسده آور بوده و به خانواده و جامعه آسیب می رساند خداوند در سوره احزاب آیه ۳۳ می فرماید:

و قرن فی بیوتکن ولاتبرج التبرج الجاهلیه الاولی...

خانه نشین باشید و مانند روزگار جاهلیت زینت های خود را ظاهر و آشکر نکنید.

علامه طباطبائی درباره این آیات می فرماید:

با خود آرائی و خودنمائی، خود را گرفتار جاهلیت دیگری ننمائید و بکوشید در هر دوره ای با حفظ شئون، عفت

اجتماعی را پاس بدارید و فضا را آلوده نسازید. {محمد حسین طباطبائی-المیزان ج ۱۶ ص ۳۰۹}

معنای اصطلاحی حجاب

اصطلاح «حجاب» در عصر ما ، به پوشش مخصوص زنان گفته می شود .

اصطلاح حجاب در مورد پوشش زن ، يك اصطلاح جدید است . در قدیم ، مخصوصا در اصطلاح فقها ، کلمه «ستر» که به معنای پوشش است به کار می رفت . فقها در کتاب های صلاة و نکاح ، که متعرض این مطلب شده اند ، کلمه «ستر» را به کار برده اند نه «حجاب» را ؛ چون معنای رایج و شایع ، لغت «حجاب پرده» است که اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده ای گمان کنند که اسلام خواسته زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد ، در حالی که وظیفه پوشش که در اسلام برای زنان مقرر شده بدین معنا نیست که از خانه بیرون نروند. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد . آیات مربوط این معنا را ذکر می کند . فتوای فقها نیز مؤید این مطلب است. (۲۸)

پس مقصود از حجاب زن در اسلام این است که زنان به جز صورت و دو دست و اعضای بدن و مواضع زینت و زیور خود را در برابر مردان بیگانه بپوشاند ، تا بدین وسیله به حفظ عفت و شرافت خود موفق شوند. (۲۹)

کلمه «حجاب» در اصطلاح اهل دین ، به معنای پوشش تمام زن به وسیله چادر و نقاب ، بسیار شایع است و این اصطلاح از معنای لغوی ریشه می گیرد و از آن جهت که پرده ، سبب پوشیدن هر چیز است که پشت آن قرار گیرد ، زیبایی های زن هم به وسیله نقاب و چادر مستور می گردد و پشت آن واقع می شود و فقها بدین جهت کلمه «حجاب» را در پوشش کامل زنان به کار برده اند ؛ نه از آن جهت که زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس و زندانی باشد ، بلکه اسلام پوشش را برای زنان مقرر کرد که هنگام بیرون آمدن از خانه پشت پرده حجاب و نقاب قرار گیرد تا زیور آنان در برابر دیدگان اجانب قرار نگیرد. (۳۰)

حجاب ، پوشش مناسب برای زنان است تا قسمت هایی که تحریک کننده غرایز مردانه است را بپوشانند و این کار به جهت ارزش و احترام زنها می باشد ، تا این که به عفاف شناخته شود و مورد آزار و اذیت افراد شرور قرار نگیرند. (۳۱)

28. رسائل حجابیه، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۶۴۳.

29. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۱۷، ص ۲۹۰.

30. وسایل الشیعه، حر عاملی، ج ۲۰، ص ۲۵.

31. تفسیر هدایت، سید محمد تقی مدرسی، ج ۸، ص ۲۰۲.

آیات قرآن درباره لزوم حجاب زنان

آیه اول: «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه‌هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نمایند و اطراف روسرس‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)...» نور ۳۱

آیه دوم: «ای زنهای پیغمبر! شما مثل افراد عادی نیستید. بایستی مراتب تقوی و پارسایی را کاملاً رعایت نموده و بدون کم و زیاد، تمام دستورات خدا را عملی کنید. بنابراین اگر واقعاً شماها پرهیزکار و خدا ترسید، پس در گفتار تان نرمی و فروتنی نکنید و صدای خود را نازک ننمائید تا اشخاصی که دلشان مریض است و اسیر دست شهوتند، از صدای نرم و نازک شکا تحریک نشده و میل و طمع به شما نکنند و در وقت لزوم باید طوری با درشتی و خشونت صحبت کنید که پسند خدا و رسول بوده و موجب فتنه و لغزش و میل و تحریک مردم نشود. و باید در خانه‌های خود قرار گیرید و زینتهای خود را اظهار نکنید همانطور که کافران پیشین خود را به نمایش می گذاشتند و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسول اطاعت نمائید.» ۳۲ احزاب

آیه سوم: «وقتی از زنهای پیغمبر چیزی می طلبید از پشت پرده از ایشان بخواهید. این طور برای دلهای شما و دلهای آنها پاک تر است» ۱۵۳ احزاب

آیه چهارم: «ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنهای مؤمنین بگو که جلباب (چادر) بر سر خود بیاورند از آنکه این پوشش در فرق زنهای خوب از زنهای نازیب نزدیکتر و مؤثرتر است باعث میشود زنهای مؤمنه توسط افراد فاسد اذیت نشوند و نسبت به گذشته‌ها چون قصد سویی نداشته‌اند یا چون توبه کنند، خداوند بخشاینده و مهربان است. و اگر منافقین و آنهایی که در دلشان مرض است و آنهایی که حرفهای مضر در بین مردم اشاعه میدهند از این اعمال دست نکشند، تورا بر آنها مسلط می کنیم که بر آنها فشار بیاوری بطوریکه نتوانند در مدینه در همسایگی تو بمانند مگر زمان اندکی. در حالی که اینها ملعونند و دستور است که هر کجا اینها یافت شوند، آنها را بگیرند و به خوارترین و سخت‌ترین وجهی بکشند. سنت الهی در مورد اهل نفاق، در هر عصری همین بوده و خواهد بود و به هیچ وجه ممکن، این آیین در مورد اینها تغییر نمی شود.»

روایات لزوم حجاب و عفاف زنان

- از جمله بیعت‌هایی که پیامبر (ص) از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند. «مستدرک الوسائل ۱۳۳/»

- «پیامبر (ص): ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که مچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می‌شود.» مستدرک ۵۴۹/»

- «امام علی (ع): ای بندگان خدا! بدانید که گفتگو و اختلاط مردان با زنان نامحرم، سبب مصیبت و گرفتاری شده و دل‌ها را منحرف می‌سازد و پیوسته به زنان چشم دوختن، نور دیده را خاموش می‌گرداند و همچنین با گوشه چشم به زنان نگاه کردن از حيله و دام‌های شیطان است.» بحار ۲۹۱/۷۴

- احمد بن ابی نصر بزنتی از یاران عالیقدر امام علی بن موسی الرضا (ع) است می‌گوید از آن حضرت پرسیدم: آیا برای مرد جایز است که به موهای خواهر زنش نگاه کند؟ حضرت فرمود: نه مگر اینکه سالخورده و پیر و از کار افتاده باشد. عرض کردم: پس خواهر زن با بیگانه چه فرق می‌کند یعنی هر دوی اینها یکی هستند؟! حضرت فرمود: بلی یکی هستند. پرسیدم: [در مورد سالخورده] چقدر برای من جایز است نگاه کنم؟

فرمود: به موی او و ذراع (از انگشت تا آرنج) او می‌توانی نگاه کنی. ^۱ وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۰۷، ص ۱۹۹، ح ۲۵۴۲۰

پیغمبر اکرم زنان را اجازه می‌داد که به خاطر حاجتی که دارند بیرون روند و کار خویش را انجام دهند. سوده، دختری زمه، همسر رسول خدا، زنی بلند بالا بود. یک شب با اجازه رسول خدا از خانه به خاطر کاری بیرون آمد. با اینکه شب بود عمر بن الخطاب سوده را به خاطر بلند بالایی اش شناخت. عمر در این جهت تعصب شدیدی داشت و همواره به پیغمبر توصیه می‌کرد اجازه ندهد زنان بیرون روند. عمر با لحن خشنی به سوده گفت: تو خیال کردی که ما تو را نشناختیم؟! خیر شناختیم. پس از این در بیرون آمدن خود دقت بیشتری بکن. سوده از همان جا مراجعت کرد و ماجرا را به عرض رسول خدا رساند در حالی که رسول خدا مشغول شام خوردن بود و استخوانی در دستش بود. طولی نکشید که حالت وحی بر آن حضرت عارض شد. پس از بازگشت به حالت عادی فرمود:

انه قد اذن لکن ان تخرجن لحوائجک.

اجازه داده شد به شما که اگر حاجتی دارید بیرون روید ^۱ صحیح مسلم ج ۷/ ص ۶ و صحیح بخاری ج ۷/ ص ۴۹ و ج ۱۸/ ص ۶۶.

اسلام در عین اینکه به زنان اجازه شرکت در مساجد را می دهد دستور می دهد به صورت مختلط نباشد، محلها از یکدیگر جدا باشد. می گویند پیغمبر اکرم در زمان حیات خویش اشاره کرد که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا باشد. روزی اشاره به یکی از درها کرد و فرمود: «لو ترکنا هذا الباب للنساء» یعنی خوب است این در را به بانوان اختصاص بدهیم. بعدها عمر صریحا نهی کرد که مردان از آن در وارد شوند^۱ سنن ابو داود، ج ۱ / ص ۱۰۹

پیغمبر اکرم دستور داد که شب هنگام که نماز تمام می شود اول زنها بیرون بروند بعد مردها. رسول خدا خوش نمی داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند، زیرا فتنه ها از همین اختلاطها برمی خیزد.

رسول خدا برای اینکه برخورد و اصطکاک ریخ ندهد دستور می داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند^۲ (کافی ج ۵ / ص ۵۱۸).

عایشه همواره زنان انصار را اینچنین ستایش می کرد:

«مرحبا به زنان انصار. همینکه آیات سوره نور نازل شد یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید. سر خود را با روسریهای مشکی می پوشیدند. گویی کلاغ روی سرشان نشسته است.»^(۱)

در سنن ابو داود جلد ۲ صفحه ۳۸۲ همین مطلب را از ام سلمه نقل می کند با این تفاوت که ام سلمه می گوید:

«پس از آنکه آیه سوره احزاب یدنین علیهن من جلابیهن نازل شد زنان انصار چنین کردند.»

() () :

{ داستانهای از

پوشش و حجاب - علی میرخلف زاده }

آثار مهم حجاب در خانواده و جامعه

یقیناً دستور خداوند مبنی بر وجوب حجاب زنان، بخاطر فوایدی است که از این مسئله نصیب بشریت می‌گردد. و از طرفی بخاطر ضررها و خسارتهائی است که برهنگی و بی‌حجابی، به بشر وارد می‌کند. مهمترین فوائد حجاب و عفاف زنان، استحکام نهاد خانواده، ایجاد آرامش روانی و تقرب الهی است.

حجاب عامل استحکام خانواده ها

یکی از عوامل مهم استحکام خانواده، رعایت حجاب است. اگر حجاب در جامعه ای کاملاً رعایت شود و روابط جنسی به محیط خانواده محدود گردد، گروه جوانان به ازدواج تمایل بیشتری پیدا می‌کنند و خانواده های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری خواهند گرفت، بالنتیجه در این میان بیشترین نفع عاید زنان خواهد شد، زیرا از محبت و حمایت مالی مردان برخوردار خواهند بود.

در حالی که اگر خودنمائی و آرایش و تحریک در یک اجتماع بشری رواج پیدا کند و روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر گردد، هیچ وقت جوانان مشکلات ازدواج را نخواهند پذیرفت و به آن تن نخواهند داد. بلکه خانواده های تشکیل شده نیز دائماً در حال تزلزل می‌گردند. زیرا مردان با دیدن زنان بی حجاب تحریک شده و آسیب پذیر می‌شوند و در نتیجه کانون گرم خانوادگی بسردی می‌گراید و محبت در خانواده جای خود را به تنفر خواهد داد، چون همسر قانونی رقیب و مانع روابط جدید جنسی به حساب می‌آید.

بی تردید نهاد خانواده تنها با پاسداری از حجاب اسلامی درخشش و بالندگی لازم را پیدا خواهد کرد. بله وقتی لامپ نورافشانی می‌کند که سیمهای متصل به آن سالم باشند و اگر این سیمها لخت و یا زدگی داشته باشند، نه تنها نیروی برق را بخوبی منتقل نمی‌کنند بلکه با جریان آب یا با اتصال به یکدیگر موجب حریق و آتش سوزی می‌گردند.

زن و مرد همانند، جریان مثبت و منفی دست به دست هم داده و چراغ خانواده را روشن کرده اند، می‌بایست حجاب اسلامی را رکن اساسی این پیوند قرار دهند و الا این چراغ بخاموشی می‌گراید و آتش هوس آن را خواهد سوزانید.

جورج کامینکسی جامعه شناس معروف به این مطلب تصریح کرده است و می‌گوید: عامل اصلی اختلاف (زن و شوهرها در طلاق) روابط نامشروع می‌باشد. {داستانهائی از حجاب- علی میرخلف زاده }

یکی دیگر از آثار مهم حجاب زنان، حفظ آرامش روانی جامعه و پاکی دلها است.

قرآن مجید: حجاب را عامل طهارت قلب و روح معرفی می کند و خداوند متعال در قرآن چنین می فرماید:

هر گاه از زنان پیامبر متاعی را می خواهید پس آن را از پس پرده بخواهید زیرا این کار برای طهارت و پاکی قلوب شما و ایشان بهتر است.^(۱)

وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ. (احزاب ۵۳)

برای تبیین بیشتر این مطلب، به سخنی از استاد شهید مطهری، تمسک می نمایم:

«نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرتهای بی بند و بار، هیجانها و التهابهای جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آورد. غریزه جنسی، غریزه ای نیرومند، عمیق، و «دریافت» است، هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله و رتر می شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت:

۱- تاریخ همان طوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور در پی گرد آوردن پول و ثروت بوده اند و هر چه بیشتر جمع می کرده اند، حریص تر می شده اند، همچنین از آزمندانی که در زمینه مسائل جنسی یاد می کند، که به هیچ وجه از نظر حسّ تصرف و تملک زیبارویان در یک حدی متوقف نشده اند. صاحبان حرمسراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند، چنین بوده اند.

در زمان جدید هم به برکت تجدد فرهنگی، برای مردی که یک صد هزارم خسرو پرویز (که سه هزار زن در حرمسرا داشته است) و هارون الرشید، امکانات داشته باشد، میسر است که باندازه آنها از جنس زن بهره کشی کند.

- هیچ فکر کرده اید که حسّ «تغزل» در بشر چه حسی است؟ قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را می ستاید. به پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچکترین عنایت او می داند، مدعی می شود که محبوب و معشوق «صد مُلک جان به نیم نظر می تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می کند» از فراق او دردمندانه می نالد.

این چیست؟ چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی کند؟ آیا تاکنون دیده اید که یک آدم پول پرست برای پول، یا یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام، غزلسرای می کند؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرای کرده است؟ چرا هر کسی از شعر و غزل دیگری خوشش می آید؟ چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می برند؟ آیا جز این است که همه کس آنرا با زبان یک غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می بیند؟ چقدر اشتباه می کنند کسانی که می گویند یگانه عامل

اساسی فعالیت های بشر عامل اقتصاد است!!

بشر برای عشق‌های جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنان که برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت‌های صرفاً مادی از قبیل آب و نان موسیقی ندارد.

من نمی‌خواهم ادعا کنم که تمام عشق‌ها جنسی است و هم هرگز نمی‌گویم که حافظ و سعدی و سایر غزلسرایان صرفاً از زبان غریزه جنسی سخن گفته‌اند. این مبحث، مبحث دیگری است که جداگانه باید بحث شود.

ولی قدر مسلم این است که بسیاری از عشق‌ها و غزل‌ها، عشق و غزل‌هایی است که مرد برای زن داشته است. همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب نیست که با سیر شدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آرزو و تنوع پرستی در می‌آید و یا به صورت عشق و غزل.

اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است. روایات زیادی درباره خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالاخره خطرناک بودن غریزه‌ای که مرد و زن را به یکدیگر پیوند می‌دهد، وارد شده است.

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه‌اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ... قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ. { ۳۰

و ۳۱ نور }

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم‌چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بد و زنند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه خاص هم برای زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد.

همان‌طور که بشر - اعم از زن و مرد - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبا و رویان و هیچ زنی از متوجه کردن و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود.

و از طرفی تقاضای نامحدود خواه‌ناخواه انجام‌ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلال روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد.

چرا در دنیای غرب اینهمه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که بوسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابان‌ها و کوچه‌ها انجام می‌شود.

اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خود نمائی و خود آرائی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل، مرد شکار است و زن شکارچی! همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی! میل زن به خود آرائی از این نوع حس شکار چگیری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردها لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد. لہذا انحراف تبرج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.» (مسأله حجاب)

حجاب عامل تقرب الہی

البته حفظ حجاب و عفاف زنان دارای اثرات مفید دیگری می‌باشد. از جمله اثر دیگر عفاف و حجاب، تقرب بیشتر زنان به خداوند متعال است. اینکه مریم، مقدس شد و خداوند از او در قرآن کریم تجلیل کرده و مقامات معنوی بالایی به عنایت کرد یکی بخاطر عفاف و پاکدامنی فوق العاده حضرت مریم ع بوده است

مریم پاک و عابده

مریم دختری بود که بخاطر نذر مادرش، از همان کودکی در معبدیت المقدس و تحت تربیت حضرت زکریا ع بزرگ شد. وقتی مریم به سن تکلیف رسید، متوجه شد که مانند سایر زنان نیست و عادت ماهانه و سایر آلودگی‌های زنانه را ندارد. او از همان اوقات، تمایل شدیدی به عبادت پروردگار داشت و همیشه در محراب به عبادت مشغول بود. مریم در اثر تقرب بخدا به مقامی رسید که بدون واسطه از طرف خدا برای او غذای بهشتی می‌رسید. مریم هم‌زنی عابده بود و هم صورتی زیبا و اندامی متناسب داشت. طولی نکشید که مقام معنوی او زنان و مردان را متوجه خود نمود و همه از او به پارسائی و نیکی نام می‌بردند. حضرت مریم آنقدر به خدا نزدیک شد و او را عبادت نمود که فرشتگان با او سخن می‌گفتند. روزی که در حال عبادت بود، فرشتگان به او گفتند: «ای مریم! خداوند تورا پاک و پاکیزه داشت و از میان تمام زنان عصر برگزید و بر همه آنان برتری داد. ای مریم! هنگامی که دیگران نماز می‌گذارند تو نیز نماز بخوان و خدایت را در قنوت بیاد آور و برای او سجده و رکوع نما!» و در آیه دیگر در باره عفت و دوری از شهوات او می‌فرماید: «وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُهَا وَإِسْقَاتُ حِمْلِهَا وَإِسْقَاتُ حِمْلِهَا وَإِسْقَاتُ حِمْلِهَا» یعنی: مریم زنی است که عورت خود را از حرام حفظ کرد و ما هم از روح خود در او دمیدیم. او کلمات و کتابهای خدا را تصدیق نمود و او از قنوت کنندگان بود.

این چنین بود که مریم با عبادت و حفظ حجاب و عفاف و دوری از گناه و شهوات، به مقام سروری زنان زمان خود رسید.

سرور زنان عالم حضرت فاطمه زهراء نیز در کمال پاکدامنی و عفاف بود و در حفظ حجاب و پوشش نمونه بود که روایات مختلفی درباره تاکید این بانوی دوسرا درباره حفظ پوشش و حجاب ذکر شده است از جمله:

در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه زهرا(س) وقتی میخواستند به بیرون منزل و نزد پیامبر اکرم(ص) بروند، از پوشش‌های خاصی، مثل جلباب (چادر) و برقع (روپوش صورت) استفاده می‌کردند؛ [18] علاوه بر این، یکی از حوادثی که بیانگر مقدار حجاب حضرت فاطمه زهرا(س) در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از قضیه فدک است. ، ایشان با شکل خاصی از حجاب و پوشش، برای دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوی داستان، شکل خاص حجاب حضرت را این گونه توصیف نموده است:

لائت خمارها علي رأسها و اشتملت بجلبابها و اقبلت في لمة من حفدتها و نساء قومها تطأ ذیولها؛ [19] حضرت زهرا (س) هنگام خروج از منزل مقعده را محکم بر سر بستند و جلباب و چادر را، به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید، به تن کردند و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت نمودند.

[18]. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۳: «فتجلیبت بجلبابها و تبرقعت ببرقعها و ارادت النبي(ص)».

[19]. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۸.

حجاب از دیدگاه اسلام و غرب

حجاب انسان در تمدن جدید غربی چیست؟ در تمدنی که خدا از صحنه زندگی غایب شده، و در کلیسا عزلت گزیده، معنویت به حاشیه زندگی خزیده، و استخوان‌بندی فرهنگ و تمدن غربی، یک استخوان‌بندی مادی شده که در آن دیگر معنویت و قدس، اصالت ندارد و انسان دیگری موجودی نیست که حامل «روح الهی» باشد و بتواند خلیفه خدا در زمین شود و...

در این تمدن، انسان هیچ فرقی بنیادی و وجودی با حیوان ندارد... او هم چند سالی در طبیعت زندگی می‌کند و می‌میرد و دیگر هیچ...!

ارزش و اعتبار همه چیز در این تمدن با این ملاک سنجیده می‌شود که چقدر می‌تواند به انسانی که اساسا حیوانی مادی است، لذت ببخشد و یکی از چیزهایی که می‌تواند به او لذت ببخشد «تن انسان» است.

از نظر غرب، انسان جز «تن» چیز دیگری نیست و این تن یکی از مهم‌ترین آبخورهای لذت اوست، و او در فرصت محدودی که تا مرگ دارد باید از همه لذت‌ها تا می‌تواند بهره‌مند شود»

اما حجاب زن در اسلام بخاطر ارزشی است که اسلام برای زن قائل شده و برای حفظ این گوهر گرانمایه، دستور حفظ بدن خود از نامحرم را صادر کرده است

یکی از علماء در جواب سوال یک زن آلمانی درباره علت لزوم حجاب در اسلام به او گفت:

شما دیده‌اید که جواهر فروشان چگونه جواهرات گرانقیمت خود را در گاو صندوق‌ها و تیرین پنهان می‌کنند؟

گفت: آری دیده‌ام.

گفتم: چرا این عمل را انجام می‌دهند؟

گفت: از ترس دزدان.

گفتم: فلسفه حجاب نزد ما مسلمانان همین است، شما خانمی جوان هستی. و بخوبی می‌دانی که در هر اجتماعی دزدان نوامیس و عفت یافت می‌شود، همانگونه که جواهرات دزد دارد، اسلام بخاطر حفظ ناموس و شرافت و آبرویت بتو فرمان حجاب (و پوشیدن عبا و چادر) می‌دهد.

حجاب و اصل آزادی

استاد مطهری در رابطه با اشکالاتی که به حجاب زن می‌گیرند نوشته‌اند: یکی از ایراداتی که بر حجاب گرفته‌اند این است که موجب سلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشری است می‌گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می‌رود.

می‌گویند احترام به حیثیت و شرف انسانی یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر است. هر انسانی شریف و آزاد است، مرد باشد یا زن، سفید باشد یا سیاه، تابع هر کشور یا مذهبی باشد. مجبور ساختن زن به اینکه حجاب داشته باشد بی‌اعتنایی به حق آزادی او و اهانت به حیثیت انسانی اوست و به عبارت دیگر ظلم فاحش است به زن. عزت و کرامت انسانی و حق آزادی زن و همچنین حکم متطابق عقل و شرع به اینکه هیچ کس بدون موجب نباید اسیر و زندانی گردد و ظلم به هیچ شکل و به هیچ صورت و به هیچ بهانه نباید واقع شود، ایجاب می‌کند که این امر از میان برود.

پاسخ: یک بار دیگر لازم است تذکر دهیم که فرق است بین زندانی کردن زن در خانه و بین موظف دانستن او به اینکه وقتی می‌خواهد با مرد بیگانه مواجه شود پوشیده باشد. در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد. حجاب در اسلام یک وظیفه‌ای است بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود.

اگر رعایت پاره‌ای مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت‌روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را «زندانی کردن» یا «بردگی» نمی‌توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل «آزادی» فرد نمی‌توان دانست.

در کشورهای متمدن جهان در حال حاضر چنین محدودیتهایی برای مرد وجود دارد. اگر مردی برهنه یا در لباس خواب از خانه خارج شود و یا حتی با پیژامه بیرون آید، پلیس ممانعت کرده به عنوان اینکه این عمل بر خلاف حیثیت اجتماع است او را جلب می‌کند. هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی، افراد اجتماع را ملزم کند که در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند مثلاً با لباس کاملاً بیرون بیایند، چنین چیزی نه بردگی نام دارد و نه زندان و نه ضد آزادی و حیثیت انسانی است و نه ظلم و ضد حکم عقل به شمار می‌رود.

بر عکس، پوشیده بودن زن - در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است موجب کرامت و احترام بیشتر اوست، زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می‌دارد.

شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگامی که از خانه بیرون می‌رود متین و سنگین و با وقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زباندان لباس نپوشد، زباندان راه نرود، زباندان و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد، چه آنکه گاهی اوقات ژست‌ها سخن می‌گویند، راه رفتن انسان سخن می‌گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می‌زند.

همین طور ممکن است زن یک طرز لباس بپوشد یا راه برود که اطوار و افعالش حرف بزند، فریاد بزند که به دنبال من بیا، سر بسر من بگذار، متلک بگو، در مقابل من زانو بزن، اظهار عشق و پرستش کن.

آیا حیثیت زن ایجاب می‌کند که اینچنین باشد؟ آیا اگر ساده و آرام بیاید و برود، حواس پرت کن نباشد و نگاههای شهوت آلود مردان را به سوی خود جلب نکند، بر خلاف حیثیت زن یا بر خلاف حیثیت مرد یا بر خلاف مصالح اجتماع یا بر خلاف اصل آزادی فرد است؟

آری اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس و در را به رویش قفل کرد و به هیچ وجه اجازه بیرون رفتن از خانه به او نداد، البته این با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. چنین چیزی در حجابهای غیر اسلام بوده است ولی در اسلام نبوده و نیست. {مسئله حجاب استاد مطهری}

البته حجاب زنان دارای فواید مختلف معنوی و مادی است که در رابطه با یکی از فواید مادی حجاب به مقاله ای که در این رابطه نگاشته شده اشاره می گردد:

حجاب در اسلام برای حفظ نشاط جنسی است، چون حجاب تخیل جنسی را تحریک می کند و سبب می شود که مسئله جنسی معنادار شود و دچار بی معنایی نگردد.

1. غریزه جنسی، قوی ترین غریزه انسانی است که زندگی انسانی را از نظر کمی و کیفی مورد تاثیر و تاثر قرار می دهد. این غریزه در کنار غریزه گرسنگی، بستر ساز فرهنگ های انسانی در طول تاریخ شده و دین با ورود در این بستر، معنا بخش فرهنگ انسانی می شود؛ به همین دلیل در تاریخ ادیان کمتر دینی است که درباره مسئله جنسی سخن نگفته باشد.

2. غریزه جنسی در يك چارچوب، مورد توجه ادیان قرار می گیرد و در چارچوب جهان بینی آن دین، جایگاه مسئله جنسی را با توجه به انسان شناسی خود، و جهان شناسی و اخلاقیات مبتنی بر آن، تشریح و تفسیر می کند که اغلب دائر مدار آن، انسان واسطه ای و متعالی دینی، مثل پیامبران و یا بنیان گزاران دین مثل بودا قرار می گیرد.

3. در غرب مسیحی قرون وسطی که انسان کامل مسیحی محور معرفت شناسی، جهان شناسی، انسان شناسی و سپس جامعه شناسی واقع شده بود، درباره مسئله جنسی، چه از بعد انسان شناسی و چه جامعه شناسی، به همان میزان قضاوت می شد و چون انسان های کامل مسیحی، حضرت مسیح و حضرت مریم و حضرت یحیی (ع)، هر سه ازدواج نکرده، در مسیحیت دوری از عمل جنسی، يك شرط برای انسان کامل شمرده شد و کم کم ترك عمل جنسی به ترك كلي عمل جسمی کشانده می شود و در دوران قرون وسطی، انسان هایی اعم از زن و مرد، دور از شهرها در نقاط دور افتاده جنگل ها و کوه ها و بیابان زندگی می کردند که به دور از لذت های جسمی يك زندگی کاملاً مجردانه داشتند. پس حجاب در همین جهت قلمداد می شد؛ یعنی دوری از لذت های جسمانی بطور کامل.

4. با شروع رنسانس، تفسیری دیگر از انسان کامل ارائه شد که بر فرهنگ جنسی غرب به شدت اثر گذاشت؛ این تفسیر آن بود که چون خدا در جسم انسان (عیسی) تجلی یافته است، پس جسم انسان تقدس می یابد، به همین دلیل سعی در زیباشناسی جسم انسان است و با يك نوع آناتومی جسم انسان و بدست آوردن رگ، پی، ماهیچه، استخوان و ... به ترسیم جسم های زیبا پرداخته شود که این مهم به وسیله «لئوناردو داوینچی» و «میکل آنژ» و «رافائل»، بر روی دیوارهای کلیساهای روم و فلورانس انجام می شود. به طوری که جسم های برهنه و بسیار موزون و هماهنگ بر روی دیوارها ترسیم و یا در مجسمه ها تجسم می یابند. شرمگاه انات حذف و ذکور بسیار کوچک ترسیم می شود تا گفته شود خود جسم مطمح نظر است، نه مسائل جنسی آن، ولی با همین ترسیم انسان برهنه، اولین قدم برهنگی در غرب، توسط نوعی تفسیر از انسان کامل رخ می دهد.

5. کدو تفسیر حجابی و برهنگی از انسان کامل در غرب، با همان حالت تضادگونه در غرب ادامه یافت تا تفسیر یهودی دین مسیحیت در قالب پروتستانیزیم اتفاق افتاد و بر تفسیر برهنگی انسان کامل بصورت شدیدتر تاکید شده است و کفه به طرف برهنگی در جامعه غربی سنگینی کرد تا آنکه بر برهنگی انسان به شدت تاکید شد و این زمانی بود که انقلاب صنعتی رخ داد و ماشین به صحنه زندگی انسان ها آمد.

6. این تاکید از سوی فروید صورت گرفت که بر فرهنگ یهودی در باب جنسیت تاکید می کرد و نمونه های آن در نامه های خصوصی او مشاهده می شود. فرهنگ یهودی یکی از جنسی ترین فرهنگ های دینی است که بر رابطه های جنسی محارم مثل دختر و پسر، و پسر، و مادر، و برادر و خواهر با دیده اغماض نگریسته است و آنها را بی اشکال دانسته است. فروید با فرهنگ یهودی بر فرهنگ جنسی مسیحیت هجوم برد و سعی کرد که بر برهنگی جنسی، چه از نظر بدنی و چه از نظر روحی تاکید کند و ریشه تمامی عقده های انسانی را در حجاب (به معنای عام) خلاصه کند که مانع عمل جنسی، بطور برهنه، در طول زندگی انسانی می شود.

7. انقلاب صنعتی در غرب و مهاجرت جغرافیایی انسان ها از مکان های کوچک به مکان های بزرگ و تماس های دو جنس در سطوح مختلف کاری، هنجار شکنی جنسی را افزایش داد. حال اگر این را به برهنگی اجباری زنان، به علت کار با دستگاه های خطرناک و کشنده شدن زنان به درون دستگاه، توسط لباس های زنانه اضافه کنیم، به خوبی برهنگی زنان در محیط کار ترسیم می کند. تاثیر صنعت تا جایی رسید که همسران، چه زن و چه مرد، به روابط جنسی فراتر از ازدواج روی آوردند و این روابط جنسی خارج از عرف و قانون موجب شد که برهنگی زنان در قالب فحشا و فاحشه های برهنه افزایش یابد (رابطه صنعت و برهنگی در دائره المعارف غرب مثل بریتانیکا آمده است).

8. ورود ماشین به زندگی عمومی انسان ها در غرب، برهنگی را افزایش داد، چرا که ماشین ها انسان ها را از خانه و خانواده جدا می کرد و حتی ماشین به عنوان جایگزین خانه مطرح شد و خانه های متحرک در ماشین ترسیم شدند. پس ماشین رقیب خانه و انسان های ماشین دار

رقیب خانواده شدند. پس روابط جنسی غیر معمول و غیر عادی رواج یافت و روابط جنسی غیر معمول، برهنگی را بیشتر رواج داد؛ مثل نقاشی‌های برهنه جنسی و تشویق برای برهنگی (فیلم تایتانیک و شکسپیر عاشق به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد)

9. ماشین و محیط کار صنعتی و نظریه مبتنی بر فرهنگ یهودی جنسی فروید، سه عاملی بودند که انقلاب جنسی در غرب را به وجود آوردند. و غرب را از دوران ملکه ویکتوریا به دوران برهنگی وارد کرد و بر همین اساس، گروه‌هایی به وجود آمدند که سخت‌تر برهنگی جمعی تأکید کرده و برهنگی را نیز معیار گروهی قرار دادند، این گروه‌ها هیپی‌ها، پانک‌ها، رپ‌ها و ... بودند و سبب رواج برهنگی شدیدتر شدند که امروزه به **Nake** یا برهنه‌های مادرزاد مشهور شده‌اند.

10. بنابراین، در غرب اگر حجاب مطرح شده است، یعنی دوری شدید از عمل جنسی و غریزه جنسی (چه زن و مرد) و اگر برهنگی مطرح شده است، یعنی آزادی عمل جنسی و رفتن در آن. پس حجاب در غرب، نقطه مقابل انسان و غریزه قرار گرفته است، بطوری که اگر کسی حجاب داشته باشد، علیه انسانیت خود قدم برداشته است و بی‌حجابی، یعنی برگشت و بازگشت به خویشتن خویش.

11. اولی این برهنگی به جای بازگشت به خویشتن انسانی، موجب شد که انسان‌ها از خودشان بیشتر دورتر شوند، اول آنکه برهنگی وسیله‌ای شد که بدن انسانی طعمه مطامع اقتصادی شود. بدن فروشی، به صورت فحشا و به صورت مانکن تبلیغاتی کالا و به صورت بازیگران فوتبال و ورزش‌های دیگر و به صورت هنرمندان سینمایی و تلویزیونی و ... معمول شد؛ یعنی به جای کرامت انسانی، ذلت و رذالت انسانی نصیب او گردید.

12. انسان‌های معمولی‌ای که برهنه شدند نیز به عنوان محل مصرف مد و «ابزارهای اقتصادگردان سرمایه داری» در مصرف تعیین شدند و از لباس زیر تا لباس رو، همه تابع مد روز واقع شدند (لباس گشاد یا لباس تنگ و یا ترکیبی از آن دو و ...). در نتیجه مد به عنوان تنوع‌طلبی مطرح شد، ولی در واقع سبب غفلت‌زایی مداوم از خود و هم‌نوع خود و جهان اطراف گردید؛ بنابراین برهنگی عمومی، از خودبیگانگی عمومی را برای انسان غربی به ارمغان آورد.

13. برهنگی در غرب، بی‌رغبتی جنسی را برای غربی به ارمغان آورد، چرا که برهنگی سبب تحریک اولیه انسان به طرف عمل جنسی در سنین اولیه بلوغ می‌شود، ولی در نهایت به سرد مزاجی جنسی تبدیل می‌شود، چرا که اسراف جنسی در دوران بلوغ، به بی‌رغبتی جنسی در سنین بالاتر منتهی می‌شود، مگر آنکه کالاهای رغبت افزای جنسی به میدان بیاید، مثل الکل و یا قرص‌های نشاط آور جنسی که باز در دراز مدت سبب بی‌رغبتی جنسی بیشتر خواهد بود و چون غریزه جنسی که نشاط آور زندگی است، به رکود کشانده شود، بنیاد خانواده رو به سستی می‌رود و فحشا جای آن را پر می‌کند و افسردگی فردی بر افراد حاکم می‌شود که به عنوان طاعون عصر غرب مطرح شده است؛ پس برهنگی بر افسردگی جنسی غرب، و رکود روحی و روانی افراد افزوده است.

14. حجاب در اسلام برای حفظ نشاط جنسی است، چون حجاب تخیل جنسی را تحریک می‌کند و سبب می‌شود که مسئله جنسی معنادار شود و دچار بی‌معنایی نگردد (مثل برهنگی) و چون اسلام بر طبیعت جنسی سخت تأکید دارد و انسان کامل خود را نه فقط در معنویت انسان کامل، بلکه در مسائل دنیوی و جنسی او می‌داند (چون نکاح و عمل جنسی از سنت انسان کامل در اسلام می‌باشد و هر کس از این سنت روی بر می‌گرداند، از او نیست). پس انسان کامل در اسلام الگوی جامع و کامل انسان در دنیا و آخرت و از جمله مسئله جنسی است که باید مورد تقلید قرار گیرد.

پس حجاب یک فرهنگ جنسی است که سبب گرم واقع شدن غریزه جنسی در سطح یک جامعه و هدایت ارضایی آن در قالب خانواده می‌شود به همین دلیل امروزه شرق به علت محور قرار دادن ارضایی جنسی و حجاب، جنسی‌تر از غرب قرار داده شده است و تاریخ شرق و غرب نیز مؤید مسئله است و شاید به همین دلیل است که عرفان شرقی در هند و عالم اسلام به زبان جنسی بیان می‌شود؛ مثل شعر حافظ و ابن عربی که فص محمدیه را فص نکاحیه و جنسی نامیده است؛ به همین دلیل است که معنویت از جنسیت جدا نیست و **حجاب علاوه بر حفظ کرامت انسانی، سبب رشد انگیزه جنسی در جامعه و نیز رشد نشاط جامعه اسلامی می‌شود**، بدون آنکه به سستی و لهو و لعب دچار شود.

اثرات زیانبار بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه

افزایش بیماران روانی و افزایش افسردگی و افزایش خودکشی و قتل و جنایت و خیانت به همسر و تولد فرزندان نامشروع و از هم پاشیده شدن کانون خانواده‌ها و افزایش طلاق، همه و همه از آثار برهنگی زنان می‌باشد.

وما می توانیم این اثرات را در جوامع بی دین و بی مبالات به پوشش و حجاب، از جمله جوامع غربی همچنین در کشورهای که فرهنگ غرب در آنجا نفوذ و رسوخ کرده است، ببینیم. یکی از علماء مشهد می فرمود:

روزی در محضر مرحوم حجة الاسلام و المسلمین سید یونس اردبیلی بودیم، جوانی آمد و مسئله ای پرسید و گفت: من مادرم را دو روز پیش دفن کردم و هنگامی که وارد قبر شدم و جنازه مادر را گرفته خواستم صورت او را روی خاک بگذارم کیف کوچکی که اسناد و مدارک و مقداری پول و چک هائی در آن بوده از جیبم میان قبر افتاده، آیا اجازه می دهید نبش قبر کنیم تا مدارک را برداریم؟ و تقاضا کرد که نامه ای به مسئولین قبرستان بنویسند که آنها اجازه نبش قبر بدهند.

ایشان فرمود: همان قسمت از قبر را که می دانید مدارک در آنجاست بشکافید و مدارک را بردارید و نامه ای برای او نوشت بعد از چند روز آن جوان را دوباره در منزل آقای اردبیلی دیدیم، آقا از او پرسیدند: آیا شما کارتان را انجام دادید و به نتیجه رسیدید، او غمناک و مضطرب بود و جواب نداد بعد از آنکه دوباره اصرار کردند گفت: وقتی من قبر را نبش کردم دیدم مار سیاه باریکی دور گردن مادرم حلقه زده و دهانش را در دهان مادرم فرو برده و مرتب او را نیش میزند!! چنان منظره وحشتناک بود که من ترسیدم و دوباره قبر را پوشاندم! از او پرسیدند: آیا کار زشتی از مادرت سر می زد؟

گفت: من چیزی بخاطر ندارم، ولی همیشه پدرم او را نفرین می کرد زیرا او در ارتباط با نامحرم بی پروا بود و روگیری و حجاب نداشت و با سرو روی باز با مرد نامحرم روبرو می شد و بی پروا با او سخن می گفت و در پوشش و حجاب رعایت قوانین اسلامی را نمی کرد با نامحرمان شوخی می کرد و می خندید و از اینجهت همیشه مورد عقاب و سرزنش بود. داستانهایی از حجاب-علی میرخلف زاده

برهنگی در غرب عامل انحطاط خانواده

«در امریکا، کودکان زودتر از معمول، بالغ می شوند و از سنین خردسالی، احساس و هیجان جنسی در ایشان زنده می شود. هیچ جای تعجب نیست که در بین طبقات مختلف حتی طبقات پولدار و باسواد، دخترانی پیدا می شوند که در سالهای هفت و هشت سالگی با کودکان هم سن و سال خود را بطة جنسی برقرار کرده و احتمالاً به فحشاء مبتلا می گردند. به عنوان مثال دختر هفت ساله ای از یک خانواده آبرومند! با برادر و گروهی از دوستان برادرش، مرتکب فحشاء شده بودند. پنج نفر دیگر شامل دو دختر و سه پسر گروه فحشاء را تشکیل داده و کودکان دیگر را به این کار وادار می

کردند در حالی که بزرگترین آنها ده ساله بود. دختر دیگری که نه سال داشت، خود را بسیار خوشبخت می‌دانست زیرا در این سن و سال، معشوقه چندین نفر شده بود!*

یکی از مجلات آمریکائی نوشته است:

*سه عامل شیطانی وجود دارد که دنیای امروز ما را فرا گرفته و در افروختن آتش برای ساکنین زمین مؤثرند.

عامل اول ادبیات بی آبرو و دور از عفت است که بعد از جنگ جهانی با تمام وقاحت و بی‌عفتی و بی‌آبرویی بشکل عجیب و غریبی ترویج شد و دنیا را فرا گرفت!

عامل دوم فیلم‌های سینمایی است که نه تنها غریزه شهوانی حیوانی را تیز می‌کند بلکه در این خصوص، دروس علمی و عملی را برایشان تلقین می‌نماید

عامل سوم پایین آمدن سطح اخلاق زنان است که در لباس، برهنگی، اعتیاد و اختلاط بدون قید و شرطشان با مردان بصورت آشکاری بچشم می‌خورد. این مفاسد سه گانه بمرور زمان رو به ازدیاد است و آخرین نتیجه آن زوال تمدن و از بین رفتن مسیحیت است که اگر ما امروز از طغیان آنها جلوگیری نکنیم، بطور حتم تاریخ رومیها و کسانیکه به پیروی از شهوت و غریزه جنسی رهسپار عدم گردیدند برای ما هم تکرار می‌شود زیرا آنها هم مانند ما در شراب، زن، رقص و موسیقی ولهو و لعب غرق شده بودند.*

در این جامعه دیگر زن با عفت دارای احترام نیست! اصلاً عفت و تهذیب و حجاب و از روابط نامشروع دوری نمودن وقانع بودن به همسر خود، نشانه بی‌تمدنی! و بی‌فرهنگی و عدم پیشرفت بحساب می‌آید!

در غرب، ادبیاتی دارای مرتبه و منزلت است که بتواند با جاذبه‌های جنسی بکار گرفته شده در فیلم‌های سینمایی، تئاترها و موسیقی‌ها و داستانهای فاسد، زن را عریانتر و برهنه‌تر معرفی بکند و بدینوسیله مشتری‌های بیشتری جذب کرده و مثلاً نوشته شود که فلان فیلم اینقدر فروش داشت و یا فلان کتاب با این تیراژ فروش رفت.

نتیجه تسلط شهوات بر همه امور ملت‌های غربی و حضور بی‌قید و شرط زن برهنه و عریان در همه جا، پیداشدن آثار مخربی است که نصیب این ملت‌ها شده است. {حجاب «ابوالاعلی مودودی» (ترجمه نعمت‌الله شهرانی)}

بی‌حجابی یا بدحجابی باعث سقط جنین

اسقاط جنین (کورتاژ) و قطعه قطعه کردن آن با آلات گوناگون یکی از مفاسد بی‌حجابی یا بدحجابی می‌باشد.

روشن است که زن بی‌حجاب یا بدحجاب، بسیاری از اوقات تحت فشار جوانان بی‌پروا قرار می‌گیرد و طعمه دست آنها می‌گردد و او را مورد تجاوز قرار داده و شرافت و احترام او را از بین می‌برند. در نتیجه زن از راه نامشروع بارداری می‌شود و برای اینکه راز آن عمل زشت و پلیدش فاش نشود ناچار می‌گردد جنین را سقط کند. آمار

کورتاژ، در کشورهای غربی که بی حجابی بسیار است هولناک است و روز به روز در افزایش است .
در گزارش ویژه ای آمده است :

در لندن آمار سقط جنین از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۰ از ۵۰ هزار به ۸۳ هزار رسیده .
و در سال ۱۹۷۱ آمار مزبور به ۲۰۰ هزار مسطور گردیده
و این نسبت در فرانسه افزایش یافته بطوری که در هر ۲۰۰ نوزاد ۴۶ تا ۱۴۳ آن سقط جنین بوده .
و در شوروی در هر سال شش میلیون سقط جنین دارد حالا که بدتر است .^(۱)

بی حجابی یا بدحجابی باعث بیماری های خطرناک

یکی از مفاسد بی حجابی ، فساد اخلاق جوانان و گرایش ایشان به انحراف جنسی می باشد. زنی که با بی حجابی و خود نمائی به بازار و خیابان می آید اگر جوانی که در مرحله دیوانه کننده غریزه جنسی قرار دارد او را ببیند، آیا فکر کرده ایم به سر آن چه خواهد آمد؟

طبعا غریزه جنسی در او تحریک می شود، و در صدد برمی آید که به هر وسیله ای غریزه خود را اشباع کند. او اگر متدین و معتقد به اسلام نباشد به استمناء، لواط، زنا، تجاوز به ناموس دیگران پناه می برد و این جنایات ، گذشته از آنکه مخالف دین خدا و حکم خداست ، باعث بیماریهای خطرناک و پیش آمده های ناگوار می شود.
حتی در گزارشی آمده است که در آمریکا تعداد بیمارستانهایی که اختصاص به امراض جنسی دارد به ۶۵۰ بیمارستان می رسد

و شگگی نیست که آن زن بی حجاب که باعث انحراف جوانان می شود، در جرم ، کیفر و عذاب آنها شریک است ، زیرا او بخاطر خودنمائی و هرزگی خود، غریزه جوانان را تحریک کرده است ، و آنان را روانه فساد کرده است .
این در صورتی است که جوان ، متدین نباشد، ولی اگر متدین و معتقد به اسلام باشد، غریزه جنسی را در درون خود فرو می نشاند، و با تمایلات خود مبارزه می کند. و به خدا پناه می برد، و هرگونه رنجی را در این زمینه متحمل می شود. (و ای بسا به ناراحتیهای روانی مبتلا می شود).
در این صورت نیز زن بی حجاب مسئول است ، زیرا او باعث آزار این جوان شده ، و گناه کیفر آن را بعهدہ گرفته است .

بی حجابی یا بدحجابی عامل خودکشی ها

در کشورهایی که قانون حجاب رعایت نمی شود، افزایش روزافزون بیماریهای روانی بخوبی مشهود است .
پرفسور سیمور هالک مدیر قسمت روانی دانشگاه ویسکونسن می گوید: فقط در این دانشگاه سالانه بیش از ۸۰۰

دانشجو به کلینیک بیماریهای روانی مراجعه می کنند. نه تنها من و همکارانم بلکه اکثر روان شناسان دانشگاه های آمریکا از وضع روحی نسل جدید آمریکا دچار وحشت شده اند.^(۱)

توماس اکمبس می گوید: لذت های جسمانی در اوّل کار به ما لبخند می زند ولی عاقبت نیش زهر آلود خود را در روح ما فرو برده و هلاکمان می کند.^(۲)

آمار وحشتناک خودکشی ها در غرب نیز نشان دهنده میزان اختلالات روانی موجود در غرب می باشد. بنا بر نوشته دیل کارنگی روان شناس مشهور آمریکائی در آلمان سالانه ده هزار نفر خودکشی کرده اند. البته این رقم جدا از ۱۳۰۰۰ نفری هستند که نجات یافته اند.

در فرانسه نیز سالانه ۳۵ هزار نفر دست به خودکشی می زنند.^(۳)

طبق آمار یونسکو در هر دقیقه یک نفر در آمریکا در صدد خودکشی برمی آید.

بنا بر این به نمایش گذاشتن اندام یا زیورهای خویش در زنان نه تنها علامت یک بیماری روانی محسوب می گردد بلکه بیماری زا نیز بوده و امراض روانی، در دیگران ایجاد خواهد نمود.

اینها نشان دهنده گوشه ای از مسائل روانی فساد است. ای اهل عقل عبرت بگیرید.

آزیرهای خطر

بعضی از کوتاه فکran خیال می کنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم بصورت عادی در می آید و دیگر افراد تحریک نمی شوند. از نظر جنسی شاید چنین باشد ولی عطش روحی با افزایش مناظر تحریک آمیز نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه بطور مدام افزایش خواهد یافت، اگر چنین بود، در غرب آزادانه تجاوزات جنسی تحقق نمی یافت، ولی بنابه نوشته Plaintruth ح تجاوز به عنف از هر ۳۴ دقیقه یک فقره، به ۱۴ دقیقه رسید و طبق نوشته مجله آمریکائی نیوزویک هر سال دهها هزار کودک در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوء استفادهای دیگر قرار می گیرند.

تنها در ترکیه که ۹۸ مردم آن مسلمان هستند، ولی فرهنگ غرب در آن گسترش پیدا کرده با آنکه طبق آمار شهربانی کل آن کشور ۶۰۵ مرکز فحشاء رسمی موجود بوده، و ۵۶۵ مرکز غیر قانونی فحشاء کشف و سیزده هزار و ششصد و هفتاد و یک زن بدکاره مورد تعقیب قرار گرفته، ۲۰۹ دختر مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند.^(۴)

طبق آمارگیری در انگلستان ۴۱ زنان ۱۶ تا سی ساله از اینکه احتمالاً مورد تجاوز قرار گیرند همیشه و بطور دائم بسیار نگران هستند، بیش از ۱۱ زنان انگلیس معتقدند که بهر حال یکروزی از سال مورد تجاوز قرار خواهند گرفت، ۴ زنان از آذیرهای هشدار دهنده، تجاوز جنسی استفاده می کنند و ۷ زنان کلاسهای دفاع از خود دیده اند.

این آمار بخوبی اثبات می کند که فرهنگ فساد و بی حجابی خود عامل تحریک و تجاوز به عنف است نه موجب عادی شدن آن .

بدحجابی و قتل

مردی به مهمانی رفته بود، پس از صرف نهار، صاحب خانه برای کاری بیرون رفت ، مرد مهمان از این فرصت استفاده کرده ، پس از انجام عمل منافی عفت با همسر میزبان ، او را کشت .

بعد از دستگیری از او سؤال شده بود که چرا این جنایت زشت و شنیع را انجام دادی ؟

او در پاسخ گفت :

من شب گذشته در مجلس عروسی بودم ، که خانمی را با لباسهای جلف و چهره ای زیبا و موهای آنچنانی دیدم و دلباخته او شدم ، دیگر نتوانستم خود را کنترل کنم طرح دوستی ریختم و سرانجام چنین تصمیم گرفتم .

خانم عزیز، این جنایت به خاطر خودنمایی و جلوه گری و بی حجابی شما است که به وجود آمده . پس وقتی اسلام آیین حجاب را متذکر می شود، آن را با کمال میل قبول کن که به سرنوشت داستان فوق دُچار نگردید.

خُب ، این سزای زن بی حجاب در دنیا است و در آخرت هم به عذاب دردناک گرفتار می گردد.

بدحجابی و کشتار

جوانی را که متهم بقتل بود دستگیر کردند و از او سؤال کردند که چرا چنین عمل شنیع را بوجود آوردی ؟

گفت : جوانی عذب بودم که با هزار زحمت دیپلم را گرفتم و وارد دانشگاه شدم در آنجا چشمم به دختران بد حجاب زیادی بر می خورد که با آن زیبایی در حیاط و کلاس دانشگاه قدم می زدند با هم می خندیدند و اصلا

رعایت هیچ چیزیی را نداشتند.

من هم جوان و عذب کم کم با آنها طرح دوستی ریختم و با لطایف الحیلی یکی از آنها را فریب دادم که می

خواهم با شما ازدواج کنم و بعد از مدتها که با هم دوست بودیم ، یک روز او اظهار داشت که من حامله هستم و

باید مرا بگیری .

من که وضع مناسب نبود به او قول امروز و فردا می دادم تا اینکه یک روز کارمان به مشاجره و آبروریزی کشید با

او گلاویز شده وقتی که به خود آمدم متوجه شدم او را خفه کرده ام و او مُرده است .

{ داستانهای از حجاب-علی میرخلف زاده }

عاقبت سهل انگاری در روابط با نامحرمان!

«مادر ۳۴ ساله‌ای هستم و حدود بیست سال است که با مرد مورد علاقه‌ام ازدواج کرده‌ام. حاصل زندگی ما، دو فرزند دختر و یک پسر است، که همگی تحصیل می‌کنند. شوهرم شغل آزاد دارد و از درآمد خوبی برخوردار است و تمامی امکانات رفاهی و اسباب آسایش ما را فراهم نموده است. بچه‌ها نیز کاملاً آزادند و آنچه را بخواهند، برایشان تهیه می‌کنیم.

حدود ۸ سال پیش با خانواده‌ای که در همسایگی ماسکونت دارند، آشنا شدیم و این آشنایی، به رفت و آمدهای خانوادگی انجامید. به قدری ما و خانواده‌مزبور به هم نزدیک شدیم که اکثر غریبه‌ها می‌پنداشتند که ما فامیل هستیم. بچه‌های دو خانواده نیز با یکدیگر روابط بسیار صمیمانه‌ای داشتند و بیشتر اوقات با هم بودند.

کودکان ما، روز بروز بزرگتر می‌شدند و رفته رفته به سنین بلوغ می‌رسیدند. ولی ما غافل بودیم و فکر می‌کردیم اینها هنوز بچه‌اند و یابخاطر روابط بسیار صمیمانه و نزدیکی که وجود داشت، آنها را در حکم برادر و خواهر می‌دانستیم و هرگز به ذهنمان خطور نمی‌کرد که این روابط، روزی باعث آبروریزی خانواده‌ما گردد.

دوستی بچه‌های دو خانواده، برای من و همسرم کاملاً عادی بود. با این که شوهرم به بسیاری از احکام اسلام مقید بوده و هست، ولی در مورد حجاب من و دخترانش حساسیتی نداشت. وقتی مهمان نامحرم به خانه‌ما می‌آمد، حتی اگر دخترانم حجابشان را رعایت می‌کردند، شوهرم از آنها می‌خواست که روسری‌شان را بردارند و راحت باشند! او می‌گفت: قلب آدم باید پاک باشد! اما غافل از آن بود که ممکن است قلب طرف مقابل ناپاک باشد. مگر می‌شود هر کار ناپسندی را انجام داد و دلخوش بود که قلبمان پاک است!؟

متأسفانه، این شیوه در خانواده‌ما ادامه داشت. خود من هم، چون در خانواده‌ای بزرگ شده بودم که چندان پایبند به رعایت دستورات و موازین مذهبی نبودند و در واقع مسلمان اسمی بودند تا عملی، خیلی به حجاب و پوشش دخترها اهمیت نمی‌دادم. و در این مورد، هم من و هم شوهرم مقصر بودیم و حالا نیز، چوب سهل‌انگاری خود را می‌خوریم. بچه‌ها، هر آنچه که از پدر و مادرشان بیاموزند، عمل می‌کنند. در حقیقت، این پدر و مادرها هستند که سنگ بنای تربیت فرزندانشان را می‌گذارند.

روابط ما با آن خانواده همچنان با صمیمیت ادامه داشت. آنها دارای یک پسر و سه دختر بودند. پسرشان حمید، به همراه خواهران خود و یا به تنهایی، بیشتر وقتها به خانه‌ما رفت و آمد داشت. با آنکه حمید جوانی بیست و سه ساله بود، متأسفانه من و دخترانم هنگامی که او در منزل ما بود، حجاب را رعایت نمی‌کردیم.

البته دختر بزرگم که سال چهارم نظری بود، از این وضع ناراحت بود و خود، حجابش را رعایت می‌کرد. همیشه هم به من و پدرش اعتراض می‌نمود که چرا نسبت به این موضوع توجهی نداریم و خود نیز مشوق بی‌حجابی آنها نزد افراد نامحرم هستیم. او در عین نوجوانی، بسیاری از مسائل را بهتر از من و پدرش می‌فهمید، ولی ما به حرفهای او اعتنائی نمی‌کردیم و با خونسردی تمام از کنار آن می‌گذشتیم. سرانجام هم چوب غفلت خود را خوردیم و حیثیت خانواده‌ما لکه دار شد!

باری حمید از موقعیتی که در خانواده ما پیدا کرده بود، سوء استفاده نمود به تدریج، روابطش با دختر کوچکترم سیمین که سال اول دبیرستان بود - حالت دیگری پیدا کرد. در حالی که ما گمان می کردیم اینها، همچون خواهر و برادر هستند. ما همانند کبک، سر خود را زیر برف فرو برده و از آنچه در اطرافمان می گذشت، بی خبر بودیم. اما بعد ما مطلع شدیم که سیمین و حمید، ماههاست که پا را از روابط خانوادگی فراتر گذاشته و به دوستیهایی که میان برخی از دختران و پسران فریب خورده متداول است، بدل گشته است!

آری، یک روز از پایگاه بسیج محل خبر دادند که سیمین با پسر همراهش در آن محل هستند. من سراسیمه خودم را به پایگاه رساندم و با دیدن حمید، یکه خوردم. فکر نمی کردم او از حسن نیت ما سوء استفاده کند و با رفت و آمد آزادانه، روابطش را بیش از پیش با دخترم گسترش داده و توجه او را به خود جلب نماید.

آنها با دیدن من، ابتدا منکر هر گونه رابطه ای جز همان روابط همسایگی و خانوادگی شدند. ولی بعداً دخترم اعتراف کرد که از چند وقت پیش با حمید روابطی داشته و چند مرتبه با هم به مهمانی و پارک رفته اند! ما وقتی به این موضوع پی بردیم که در واقع، آبرویمان در محل رفته بود و باعث این بی حرمتی نیز خودمان بودیم. اگر روابط صحیح خانواده ما بر اساس دستورات اسلام بنا شده بود، یا حداقل به سنت خانواده ایرانی اهمیت می دادیم، هرگز دچار این مشکل نمی شدیم.» «الگوهای تربیت {

از هم پاشیدگی خانواده بر اثر بی حجابی زن

روزی یک تیم ورزشی از یک شهرستان، پهلوان کُشتی شهر دیگری را برای مسابقه دعوت کرد. قهرمان مزبور به دعوت آنان پاسخ گفت، و همراه همسر زیبا و بی حجابش راهی آن شهر شد، بازی کنان و کشتی گیران شهر، برای استقبال وی به فرودگاه آمدند و با گرمی به وی خیرمقدم گفتند، سپس آن پهلوان همسر خود را به رفقایش معرفی کرد، و وی را برای دست دادن به آنان جلو انداخت و بازی کنان با گرمی و لبخند به همسر وی دست دادند.

یکی از آنها عاشق همسر پهلوان شد و بفکر افتاد با او ازدواج کند. برای رسیدن به هدف نقشه هایی پیش خود طرح ریزی کرد و سرانجام با همسر پهلوان بطور پنهان و دور از چشم شوهرش خلوت و ملاقات کرد و نقشه خود را باین وجه عملی ساخت.

از وی پرسید: شوهر شما چقدر مهر بشما داده، زن گفت: بیست هزار تومان. مثلاً، مرد گفت: ولی من حاضرم چند برابر این مبلغ را بشما بدهم، زیرا ارزش شما بیش از این مقدار است. حقیقتاً شوهر شما با این مهر بشما ظلم و ستم نموده، سپس پرسید: بگو بینم، شوهر شما چه شغلی غیر از ورزش دارد؟

زن گفت: کارمند یکی از وزارت خانه ها است. ناگهان مرد هوسران، آه مزورانه ای از دل کشید و گفت: این نیز

ظلم در حق شما است ، شما با این زیبایی ، همسر یک کارمند هستی ؟ نه نه شما بیش از این ارزش دارید. همسر شما باید مانند من باشد، من مهندس و تحصیل کرده دانشگاه هستم ، و دکتر دارم و حاضرم با شما ازدواج کنم ، بشرط اینکه شوهرت تو را طلاق دهد.

سرانجام او را فریب داد، و با او قرار گذاشت که پس از مراجعت ، از شوهرش طلاق بگیرد، و با وی ازدواج کند. این راز و نیازهای عاشقانه و مخفیانه و پنهان از چشم پهلوان میهمان صورت گرفت ، و او هیچگونه اطلاعی از این حوادث نداشت ، و نمی دانست چه میگذرد.

بالاخره مدت ملاقات پایان رسید و شوهر و همسرش به شهر خود بازگشتند از آن پس شوهر با اخلاق و رفتار سوء همسرش روبرو شد، و پس از آنکه در گذشته خندان بود، و با او انس می گرفت و رنجهای او را از یادش می برد، اکنون رفتارش بر عکس شده است .

مرد از این کجروی زن به ستوه آمد، و کاسه صبرش لب ریز شد، و از وی علت تحوّل اخلاقی او را جویا شد؟ زن گفت : بخاطر آنکه تو مرا فریب داده ای ، تو به من ظلم کرده ای .. مرد با کمال تعجب گفت : من ؟! چگونه من ترا فریب داده ام؟! زن گفت : چون با مهر کمی با من ازدواج کرده ای و ارزش من بیشتر از اینها است ، تو شایسته ازدواج با من نبودی و کسی هست که با مهر شایسته حاضر است با من ازدواج کند، و من می خواهم الان از تو طلاق بگیرم .

شوهر بدبخت ، که انتظار شنیدن این سخن را از همسرش نداشت ، هوش از سرش پرید، و خود را در چنگال این فاجعه بزرگ گرفتار دید، فاجعه ای که خودش بدست خودش روزی که همسر بی حجابش را به همراه خود به شهر دیگر برد بوجود آورد، اینک شوهر در صدد بر آمد که او را از تصمیمش منصرف کند، ولی سخنان او با شکست مواجه شد، و سرانجام از روی ناچاری او را طلاق داد، و زن طلاق نامه خود را گرفت و برای ازدواج با دوست خود راهی شهر دیگر شد. {داستانهایی از حجاب-علی میرخلف زاده}

مقاومت زنان مسلمان جهان در راه حفظ حجاب

زنان مسلمان در قرن حاضر در بعضی از کشورهای اسلامی یا غربی، تحت فشار مستکبرین مخصوصا دولتهای غربی و دولتهای اسلامی وابسته به غرب قرار دارند تا از حجاب خود عقب نشینی کنند زیرا دشمنان اسلام دریافته اند که حجاب، سلاح زن مسلمان است لذا دشمنان اسلام تلاش می کنند این سلاح را از دست زنان مسلمان بگیرند ولی اکثریت زنان مسلمان در مقابل فشارها و سختگیری های دولتهای ضد اسلام، مقاومت کرده و دست از حجاب خود بر نمی دارند.

به نمونه ای از مقاومت و استقامت زنان مسلمان در کشورهای مختلف در مقابل جنگ علیه حجاب اشاره می شود:

بریده باد!

صدها اسلام‌گرا که به محدودیت ادای فرایض دینی در دانشگاه‌های ترکیه اعتراض داشتند، مورد حمله پلیس ترکیه قرار گرفتند. تظاهرکنندگان در حالی که توسط نیروهای پلیس در گوشه‌ای محاصره شده بودند، فریاد می‌زدند: «الله اکبر»، «بریده باد دستی که روسری را پس می‌زند». گفتنی است: روسری اینک به صورت مظهر مقاومت در مبارزه اسلام‌گرایان علیه سرکوب دولت غیردینی ترکیه درآمده است. (اطلاعات ۷۷/۸/۱۶)

دفاع ۲۵۰۰ کیلومتری از حجاب

در ترکیه، دانشجویانی که به سبب حجابشان از تحصیل بازمانده‌اند، با این شعار که «برای اولین بار، یک زنجیر نشان آزادی می‌شود»، بزرگترین زنجیر انسانی را در ترکیه به ظهور رساندند. این زنجیر انسانی ۲۵۰۰ کیلومتری که از اسلامبول شروع شده فقط به ترکیه محدود نگردید و حلقه‌هایی از کشورهای دیگر به آن افزوده شد. از شهرهای دیگر جهان از جمله لندن، پکن و واشنگتن، صدها هزار انسان مدافع آزادی از هر دین و نژاد و زبانی برای طولانی‌تر کردن این زنجیر اعلام کرده بودند که دست به دست هم بدهند.

گفته می‌شود این بزرگترین زنجیر آزادی تاریخ بود که از دست به دست هم دادن نزدیک به سه میلیون انسان تشکیل شد. جمهوری اسلامی، ۷۷/۷/۲۰

راهپیمایی ۴۶۰ کیلومتری مسلمانان ترکیه

هزاران دانشجوی مسلمان ترکیه در دفاع از حجاب اسلامی و علیه سیاستهای ضد دینی دولت، دست به تظاهرات بزرگی در حد فاصل دو شهر آنکارا و اسلامبول زدند. این راهپیمایی ابتدا توسط صدها دانشجوی دانشگاه اسلامبول آغاز شد و در بین راه خیل عظیم مردم و از جمله دانشجویان سایر دانشگاهها به جمع آنان پیوستند. دانشجویان اعلام کردند از طریق این راهپیمایی قصد دارند مظلومیت خود را به گوش جهانیان برسانند. دانشجویان معترض گفتند: شمار زیادی از دانشجویان مسلمان به دلیل پوشش اسلامی از امتحانات پایان ترم محروم شدند. دانشجویان در این راهپیمایی فاصله ۴۶۰ کیلومتری اسلامبول آنکارا را در مدت سه روز طی خواهند کرد.

گفتنی است: این دانشجویان با ورود به آنکارا از سوی گروههای مردم با شعارالله اکبر مورد استقبال قرار گرفتند. جمهوری اسلامی، ۷۷/۳/۳۱

جامعه دانشجویان مسلمان مقیم بلغارستان در بیانیه‌ای سیاستهای محدود کننده دولت ترکیه در مورد پوشش اسلامی و حجاب دانشجویان دختر را نقض آشکار حقوق بشر خواند. در این بیانیه با تاکید بر این مطلب که پوشش اسلامی جزء لا ینفک شریعت اسلام است، آمده، کشوری که خود را مسلمان می‌داند نباید اتباع خود را به مخالفت با شرع فراخواند. این بیانیه می‌افزاید: زنان و دختران مسلمان ترکیه بازور چادر بر سر خود نکرده‌اند و طبیعی است که با زور نیز نمی‌توان چادر را از آنان گرفت.

جمهوری اسلامی ۷۷/۱۰/۲۹

نمایشگاه حجاب در بوسنی

به همت یک تولیدی پوشاک زنانه، نمایشگاه مدل‌های مختلف پوشش اسلامی با عنوان «لباس با روسری» در ساریوو و به منظور ترویج حجاب در بین مسلمانان این کشور برپا شد. (اطلاعات، ۷/۸/۷۷)

حکایت حجاب در آذربایجان!

با رای قاضی یک دادگاه در جمهوری آذربایجان، بانوان می‌توانند با حجاب، مقابل دوربین‌های عکاسی حاضر شوند. یک روزنامه در باکو نوشت: بانوان جمهوری آذربایجان پیش از این برای اخذ روادید و شناسنامه مجبور بودند بدون پوشش اسلامی عکس بگیرند. ادارات نیز پیش از این با استناد به قانون این کشور، از پذیرش عکس با پوشش اسلامی خودداری می‌کردند.

بلژیک

پای‌بندی به حجاب شش دختر مسلمان در اعتراض به تصمیم یک مدرسه بلژیکی مبنی بر عدم حضور آنان در مدرسه با حجاب اسلامی، به دادگاهی در بروکسل شکایت کردند.

این مدرسه به این شش دختر با حجاب اعلام کرده است، تنها در صورتی با ادامه تحصیل آنان موافقت می‌کند که بدون پوشش اسلامی به مدرسه بروند. اما این درخواست با مخالفت شدید دختران مسلمان روبرو شد که بر پایبندی به حجاب به عنوان یک اصل اساسی دین اسلام تاکید کردند.

دفاع از حجاب در آمریکا

مسلمانان آمریکا نسبت به اخراج یک زن مسلمان از محل کارش به دلیل حجاب اعتراض کردند. «شورای روابط آمریکا - اسلام» در بیانیه‌ای خبر داد که یک فروشگاه زنجیره‌ای نان شیرینی در شهر بوستون در آمریکا به دلیل اینکه یک زن مسلمان از برداشتن حجاب خود امتناع کرده او را اخراج کرده است.

این شورا از مردم مسلمان خواسته است نسبت به این مساله اعتراض کنند.

همچنین شورای مذکور خواستار بازگشت کارگر با حجاب به محل کارش و جبران حقوق معوقه او شده است و از فروشگاه خواسته است تا خط مشی خود را در زمینه تبعیض مذهبی صریحا اعلام کند.

اتفاق نظر مذاهب اسلامی در باره حجاب

علامه شیخ یوسف فرضاوی از مقام‌های الازهر مصر، حجاب را یک وظیفه شرعی برای زنان مسلمان خواند که تمامی مذاهب اسلامی در باره آن اتفاق نظر دارند. وی این دیدگاه را که حجاب یک پدیده اجتماعی است رد کرد و گفت: تا پیش از رخنه استعمارگران غربی به سرزمین‌های اسلامی و تحمیل اندیشه‌های استعمار بر جوامع مسلمان، پدیده بی‌حجابی در سرزمین‌های اسلامی و جایگاهی نداشت. وی افزود: در میان کشورهای اسلامی، تنها ترکیه و تونس حجاب را ممنوع کرده‌اند. (اطلاعات، ۲/۳/۷۷)

حجاب و هویت دینی

خانم «آسیه کوهلر» معلم آلمانی مدارس شهر کلن، از حجاب به عنوان نماد اسلامی بانوان مسلمان یاد کرد و آن را افتخار آمیز خواند. وی افزود: برای من، اسلام یک ماهیت و استفاده از روسری بخشی از اعتقادات من است. حجاب هویت مرا نشان می‌دهد و من افتخار می‌کنم که مسلمان هستم و می‌توانم به دستورات دین خود عمل کنم. وی اضافه کرد: ده سال است که از روسری به عنوان حجاب استفاده می‌کنم و امروزه ما در جهانی با فرهنگ‌های متفاوت زندگی می‌کنیم و خوشبختانه اسلام تا قلب اروپا نفوذ کرده است و برای دانش آموزان خیلی مفید است که در باره ادیان گوناگون از جمله اسلام که آخرین دین الهی است، صحبت شود. وی همچنین گفت: حتی برخی والدین به ما می‌گویند: لطفاً به دختران ما توصیه کنید که از روسری استفاده کنند.

محرم و نامحرم در اسلام

اسلام برای حفظ آرامش روانی خانواده و جلوگیری از مفاسد اخلاقی، عده‌ای از افراد را نامحرم اعلام وعده‌ای را محرم دانسته است.

نامحرم شخصی است که نمی‌توان به غیر از صورت و دستهای او تا مچ، به سایر اعضای او نگاه کرد ولی محرم شخصی است که می‌توان به غیر از عورتین، به سایر اعضای او نگاه غیر شهوت آمیز نمود.

- این افراد بر پسرها و مردان محرمند:

* مادر و مادر بزرگ.

* دختر و دختر فرزند (نوه).

* خواهر.

* خواهرزاده (دختر خواهر).

* برادرزاده (دختر برادر).

* عمه (عمه خودش و عمه پدر و مادرش).

* خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).

این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی با هم محرمند و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر پسرها و

مردها محرم می شوند، از جمله آنهاست:

* همسر.

* مادر زن و مادر بزرگ او.

* زن پدر (نامادری).

* زن پسر (عروس).

زن برادر و خواهر زن نامحرمند.

- این افراد بر دخترها و زنان محرمند:

* پدر و پدر بزرگ.

* پسر و پسر فرزند (نوه).

* برادر.

* خواهرزاده (پسر خواهر).

* عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش).

* دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش).

این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر دخترها و

بانوان محرم می شوند، از جمله آنهاست:

* شوهر.

* پدر شوهر و پدر بزرگ شوهر.

* شوهر دختر (داماد).

شوهر خواهر و برادر شوهر محرم نیستند.

بجز افرادی که بیان شد ممکن است کسان دیگری نیز به سبب ازدواج، با شرایط خاصی بر یکدیگر محرم شوند

که در کتابهای مفصل فقهی آمده است.

- اگر زنی با شرایطی که در کتابهای فقهی آمده است، بچه ای را شیر دهد، آن بچه بر آن زن و افراد دیگر

محرم می شود که جهت آشنایی بیشتر می توانید به رساله توضیح المسائل، مراجعه کنید.

نگاه به دیگران

- بجز زن و شوهر، نگاه کردن هر فرد انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگر، و یا غیر همجنس مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.

- پسرها و مردان می توانند به تمام بدن زنانی که بر آنها محرم هستند بجز عورت بدون قصد لذت بردن نگاه کنند.

- پسرها و مردان نمی توانند به بدن و موی زن نامحرم نگاه کنند ولی نگاه کردن به دستها تا مچ و صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود، اگر به قصد لذت بردن نباشد اشکال ندارد.

- دخترها و بانوان می توانند بدون قصد لذت بردن، به سر و صورت و گردن مرد نامحرم به مقداری که بطور متعارف نمی پوشانند، نگاه کنند.

منابع:

حجاب «ابوالاعلی مودودی» (ترجمه نعمت الله شهرانی

داستانهایی از حجاب-علی میرخلف زاده

صحیح مسلم

صحیح بخاری

وسائل الشیعه،-شیخ حرعاملی

بحار-علامه مجلسی

اصول کافی-کلینی

الگوهای تربیت-کریمی

- (تقریرات، تقریر بحث الکلیپایگانی،
 (الهدایه، الشیخ الصدوق،
 (مسند زید بن علی، زید بن علی
 (جامع الشتات، المیرزا القمی،
 (المہذب البارع، ابن فہد الحلی،
 (فقہ الرضا، علی بن بابویہ،
 (مستدرک سفینۃ البحار، الشیخ علی النمازی،
 (المہذب البارع، ابن فہد الحلی،
 (العروۃ الوثقی، السید الیزدی،
 (بدائع الصنائع، الکاشانی،
 (جامع المدارک، السید الخوانساری،
 (مکارم الأخلاق، الشیخ الطبرسی،
 (بدائع الصنائع، الکاشانی
 نامہ اول پولس بہ تیموتائوس
 مسالہ حجاب-استاد مطہری
 المیزان-علامہ طباطبائی
 شخصیت و حقوق زن در اسلام ۱- مقالات برگزیدہ جشنوارہ شیخ طوسی
 علل الشرایع-شیخ صدوق
 رسائل حجابیہ، رسول جعفریان،
 .تفسیر نمونہ، مکارم شیرازی،
 .وسایل الشیعہ، حر عاملی

.تفسیر ہدایت، سید محمد تقی مدرس